

در عزای شخصیت ملی برازنده و نویسنده راست اندیش افغان

مصطفی عمرزی



مرحوم مصطفی عمرزی شخصیت ملی گرای افغان

در پهلوی خبر وفات محقق ارزشمند امور اجتماعی، نویسنده چیره دست و پرکار، تاریخ نویس دقیق محترم «مصطفی عمرزی» در مطبوعات بیرونی که احتمال اشتباه آن هم متصور بود، متأسفانه اعلامیه وزارت کلتور افغانستان بر چنین حقیقت تلخی صحنه گذاشت و تألم عمیق حلقه هایی را که به شخصیت، ملی گرایی، توانمندی و آثار بی بدیل تحقیقی وی آشنایی داشتند، بار آورد. گرچه تا بحال مرجع مؤثقی علت مرگ این فرزند اصیل کشور را منتشر ننموده است، ولی شاید مرض کرونا و یا حمله قلبی و امثال آن مسبب مرگ وی در حین جوانی گردیده باشد که جای نهایت افسوس است.

انا لله انا الیه راجعون

اینهم نشر مختصر، وزارت کلتور از حادثه فوت مرحوم عمرزی:
"با تاسف دریافتم که مصطفی عمرزی خبرنگار و نویسنده جوان کشور در اثر مریضی یی که عاید حالش شده بود، امروز در کابل درگذشت. مصطفی عمرزی فارغ پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون کابل بود و بیش از ده سال در برنامه های فرهنگی تلویزیون های خصوصی کشور کار کرد.

من مرگ این خبرنگار جوان را ضایعه می دانم و از خدای متعال برای وی بهشت برین و به خانواده وی و جامعه رسانه‌ی صبر و شکیبایی آرزو می کنم. او نویسنده موفق بود و کتاب های تحقیقاتی و طنزی نیز نوشته است. کابل/ ۱۵ جوزا/ باختر"

در سرزمینی که هر وجب آن با خون و آتشی سوزنده و قتل و قتل بیگناهان آغشته است و عزای عمومی کشتگان جوان و پیر پایانی ندارد، مرگ فرد دیگری بهر دلیلی نباید بر دل ها و خاطر بسیار سوزنده باشد. ولی نشر و اعلام تأسف آور، المناک و غمبار فوت شخصیتی چنان ملی و انسانی والا مرتبت، فاضل، متهور، حق نویس و محقق ارزشمندی چون محترم «**مصطفی عمرزی**» درد بزرگیست که جامعه ویران مادر وطن متحمل می‌گردد و بردوش میکشد.

درحالیکه لطف برادرانه آن شخصیت وطنپرست افغان به این خواهر، منیث یک همگام قلمی همیشه موجود بود، مگر دایم تصور مینمودم که با چنان استعداد، لیاقت، تحقیق پشتکار و مطالعات دقیقانه تأریخ و جامعه ویران کشورش که با نهایت استناد و علاقمندی صورت میگرفت، یقین که عمری از وی گذشته و شاید که در نیمه سالهای ۵۰ باشد، درحالیکه این جوان نامراد در وقت رحلت بیشتر از ۳۸ سال عمر نداشته است و تلاش و زحمات شبانه روزی وی، بیشترین و بهترین آثاری را برای نسل های سرزمینش که وی عاشق آن آب و خاک پاک محسوب می گردید، به یادگار گذاشته است. باور داریم که خوش درخشید، ولی دولت مستعجل بود!

محترم «**مصطفی عمرزی**» که در پهلوی شرح رویداد های تأریخی، با دقت و استناد حقایق عریان و نابسامانی های جامعه امروز افغانستان را هویدا و کج رفتاری های نیم قرن اخیر را با بیطرفی و شهامت، متهورانه به انتقاد می گرفت، نویسنده پرکار، جدی و نهایت ملی گرا بود، چنانچه سالانه چندین اثر آموزنده و کتب خواندنی و آموختنی از وی به نشر میرسید، طوریکه همین چندی قبل بود که تصویر و راپوری از تعداد زیادی کتب گوناگون برای اینقلم ارسال داشت که من با ممنونیت آمادگی دریافت آنان را نمودم، در حالیکه سرنوشت قلم دیگری در راه داشت.

به سلسله خبر فوت محترم مصطفی عمر زی، نویسنده و دانشمند محترم، رحمت آریا که مانند این قلم با وی دارای ارتباط فرهنگی حسنه بوده، سطوری را در مورد مرحومی بیان داشته است:

" با تأثر و تألم بی حد که بیان آن برایم سخت است و اصلاً باورم نمی شود افغانستان یکی از فرزندان رشید، متهور، نترس، حقیقت جو و دانشمند خود مصطفی عمرزی را از دست داد. با دیدن اعلامیه افغان جرمن آنالین و دیدن تصویر مصطفی عمرزی عزیز شاک خوردم. از جایم برخاستم و در اندوه فراوان غرق شدم. با عمرزی مرحوم شناخت حضور نداشته ولی آثار نشر شده وی که مبین

ژرف نگری د دقیق النظر بودن شان بود چنان مرا با او آشنا ساخته بود که فکر میکردم سالهاست که وی را می شناسم. مصطفی عمرزی افغانستان و مردم آنرا عاشقانه و پروانه وار دوست داشت و برایش چون شمع می سوخت. نگاه دقیق وی در ازیابی حالات موجوده و تحقیق در متون کهن تأریخی آثار گرانبهایست که وی از خود بجا گذاشته است. وی برای آثارش ویب سایت علیحده ساخته بود و همواره آنرا دنبال میکردم. مصطفی عمرزی جوان مرگ شد. ۳۸ سال داشت. مجرد بود. فقط ماه اکتوبر سال گذشته در مسنجر با من درد دل کرد. از حالات شکوه داشت. مانند سائر عاشقان افغانستان برای حالاتش در میان اشک و اندوه رنج می برد. باری از نزدش پرسیدم که چرا بخارج نمی روی، گفتم مردم را رها نمی کنم. گفت با وجودیکه در خانه کرایه یا به بیان دیگر در یک اتاق زندگی میکند و آنهم در سرای شمالی و همواره مورد تهدید زورمندان و اوباشان قومی قرار میگیرد ولی با آنهم به قول خودش " مقاومت می کنم تا زنده ام" و الحق که چنین کرد. من مصطفی عمرزی این دانشمند جوان را یکی از کدر های علمی برای افغانستان می دانستم و می دانم و امید داشتم که وی در آینده نزدیک چنانچه طی حیاتش ثابت ساخت بیکی از اشخاص بی بدیل در قطار سائر دانشمندان خواهد ایستاد ولی عمر کوتاهش برایش مجال نداد. مصطفی عمرزی یک ارزش و یک سرمایه بزرگ معنوی افغانستان بود. خداوند منان بهشت معلی را نصیب شان گرداند. یک سؤال در این مقطع دارم و آن اینکه مصطفی از مرگ نبود، همواره از طرف تیکه داران قومی و اوباشان یا چماق بدستان آنها تهدید می شد. نه شود اینکه او را به شکل مرموز کشته باشند و این قتل مانند سائر قتل ها در آرشیف گمنامی ها خواهد ماند. من باورم این است که او را کشته اند".

اینقلم که با آن فرزند صدیق افغانستان عزیز ارتباط فرهنگی صادقانه داشتم، همواره از ابراز احترام وی که تربیت عالی و مناعت طبع او را میرساند، برخوردار بودم، تعداد زیادی از آثار و مضامین ملی و اجتماعی، سیاسی و تأریخی وی را خوش بختانه در آرشیف وی دارم که با کمال افتخار و ادای وجبیه همکاری با مرحومی تقدیم هموطنان خواهم نمود.

درین سطور گوشه های مختصری از نوشته های با ارزش مرحوم عمر زی را تقدیم میدارم.

سطوری از ایمیل:

("خواهر گرامی و فرهنگی، خانم نظام! با سلام دوباره. خرسندم از این که به نامه ی من پاسخ ارایه کردید. در واقع کمی هراسان شدم که نکند نامه ها یا واکنش های قبلی من در مورد نارضایتی از نشر مضامینم در سایت آریانا، باعث دلخوری شما و آقای نوری شده باشند. انسان، جایز الخطاست

و من این را برای خودم کاملاً می پذیرم. خواهر گرامی! اگر ممکن باشد در آخرین مضمونی که از من نشر کرده اند (شاه و شاعران)، چهار موردی را که نشانی کرده اند، رفع کنید! دو مورد مربوط به ابهام ناشر می شود که بی جابند و دو مورد دیگر، دو غلطی تایپی اند. باوجود عرض من، اما هیچ توجهی نشد. شما می دانید که من در تاختن به عوامل ستمی و افغان ستیز، ترحم نمی کنم، اما برایم خیلی ناگوار است که مشاهده کنم در آدرسی هایی که از خود می دانم، به اصطلاح برایم جای خالی گذاشته اند تا دیگران سوءاستفاده کنند. در نامه ی قبلی در مورد ادامه ی همکاری، تذکر داده بودم، اما سفارش و شرط شما که باشم یا نباشم، برایم خیلی مهم است؛ زیرا بر اثر لطف و محبت خواهرانه ی شما، با بزرگان و خواننده گان سایت آریانا آشنا شدم. به هر صورت، بار دیگر اظهار سپاس می کنم و اگر امری نباشد، زیاده مزاحم نمی شوم. برادر تان، مصطفی عمرزی."

«مرحوم مصطفی عمرزی» با عمر جوان، عشق به افغانستان عزیز و استعداد و توانایی شگفت آوری در ساحات و ابعاد گوناگون نویسندگی مهارت قلمی با بیان واقعیت های اجتماعی داشت. البته از اوضاع نا به سامان وطن، وی نهایت حساس و دردمند بود که در عمر کوتاه خویش یقیناً شاهد و ناظر صدها به خاک و خون خفته و وطنش هم بوده است. اینهم سطور چندی از **«سرزمین شهداء»:**



سرزمین شهداء

مصطفی «عمرزی»

گاه شدت مصایب، عادت ما برای دریافت غم و اندوه را می شکنند و در حسرت آن چه از دست داده ایم، در منظر خون، تاریخی تداعی می شود که در زمان خطوط سیاه، بر دایره ی زنده گی

ما ک‌شیدند و در هاله ی این حصار، دود هستی ما در آسمان آبی، ابرهای تار در تراکم و در گذار است. در دشت‌ها، در کوهساران، در بلندی‌ها و در خاک خشک، نمین و تر، در ارضی که در همه جای این هستی غمین است، در گورستان خفته گان آشنا، مسافر، بیگانه و گمنام، چوب‌ها، آهن‌ها و توغ‌هایی در تکه‌های سبز، سرخ، سفید و سیاه، منظر افسوس از رنجی ست که در روزگار سیاه، از سهم ما از هستی و زنده گی بُریدند و در تکه-پاره های آن، غمکده ای به بزرگی می رود که در مدام سلسله ی جنگ، فرزندان این وطن، هنوز در مسیر لوح تقدیر، چیزی از طمعی نیافتند که در تعریف خوش، زنده گی و شکوه زیبایی های آن است. عادت ما می شکنند، اما در منظری که در مناظر خونین، سرخی-سیلاب می شود و در بستر مواج آن، اولاد مردم، در تقدیری که حتی لحظه هایش از فهم ما بیرون اند، درست در لمحّه ای واژگون می شوند که شاید در اندیشه ی خوشی های آینده، شاید در جسورترین صورت تبارز، در جغرافیای میهن، پاس می دهند و نگه بان عزت و ناموس اند. نا تمام.

در خاتمه با اتحاف دعای خیر بر روح پاک خدمتگار صدیق کشور و همکار ارجمند، « **مصطفی عمر زی**»، یادش گرامی و جای پای پاکیزه و آثار گرانبه‌ایست وی برای نسل های وطن آموزنده و جاودان باد.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما



یکی از آثار مرحوم عمر زی را که ترجمه کتاب آموزنده درست نویسی پښتو باشد، معرفی مینمایم